

مسئله شمول مفاد کنوانسیون  
جدید حقوق دریاها  
به کشورهای ثالث غیرعضو  
دکتر سید علی اصغر کاظمی

مقدمه

بعد از آنکه حاصل تلاش متجاوز از یک دهه تحقیق و بحث و مجادله و مصالح نمایندگان بیش از یکصد و پنجاه کشور جهان در اجلاسهای کنفرانس سوم حقوق دریاها<sup>1</sup> به صورت مجموعه فنی - حقوقی

**1.** کنفرانس اول و دوم حقوق دریاها (بدون احتساب کنفرانس تدوین حقوق بین الملل 1930 لاهه) به ترتیب در سالهای 1958 و 1960 در ژنو تشکیل گردید؛ لکن با وجود کوششهای فراوان در جهت تدوین قواعد و نظامات عرفی و سنتی حاکم بر دریاها هیچ یک از این دو کنفرانس موافق به تعیین قطعی عرض دریای سرزمینی نگردید. هنگامی که در سال 1967 مسئله در دستور کار مجمع عمومی ملل متحد قرار گرفت ابعاد جدیدی از نارساییها و کمبودهای حقوق مدرن دریاها که ناشی از دو عامل عمده، یعنی بیداری تدریجی جهان سوم و پیشرفت حیرت انگیز تکنولوژی بود، آشکار گردید. در خلال همین اجلاس دکترین «میراث مشترک بشریت» (The Common Heritage of Mankind) وسیله آقای «آورید پاردو» (Arvid Pardo) نماینده دائمی مالت در سازمان ملل متحد مطرح شد که در نهایت منجر به تشکیل کمیته بستر دریاها گردید. پس از آنکه کمیته مذکور گزارش کار خود درخصوص بهره برداری صلحجویانه از بستر و زیر کف دریا در مناطق واقع در ماورای حاکمیت ملی به نفع جامعه بشریت

بسیار پیچیده‌ای تحت عنوان «کنوانسیون حقوق دریاها» در تاریخ 10 دسامبر 1982 در مونتگویی جامائیکا<sup>2</sup> آماده امضا گردید، حدود بیست و دو دولت منجمله ایالات متحده امریکا و اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس) از امضای آن خودداری نمودند. عمل این کشورها که هر یک بنابه دلایل خاص خود از گذاردن صحه ذیل این سند بسیار مهم که منشور جهانی نظام حاکم بر دریاها را تبیین می نماید، امتناع کردند.<sup>3</sup> مسائل عدیده‌ای را از

---

را در سال 1970 تقدیم مجمع عمومی نمود، این مجمع با مشاهده وسعت موضوعات و مشکلات، طی قطعنامه ای کمیته بستر دریاها را مأمور بررسی و تهیه مقدمات کنفرانس سوم حقوق دریاها نمود. اولین اجلاس این کنفرانس در سال 1973 در کاراکاس - ونزوئلا تشکیل شد و از آن پس اجلاسهای پی در پی تا سال 1982 متناوباً در ژنو و نیویورک ادامه داشت و در خلال آنها نظام نوین حاکم بر دریاها وسیله حقوقدانان و دیپلماتها بررسی و تدوین گردید. کنوانسیون جدید حقوق دریا (United Nations Convention on the Law of the Sea) محصول کار کار همین کنفرانس می باشد. برای بررسی متن کامل کنوانسیون رک. به

Unite Nation Document A/ Conf. 122 7 October 1982.

## 2. Montego Bay-Jamaica.

3. این کنوانسیون که شامل 321 ماده و 9 الحاقیه می باشد در اولین روز باز شدن برای امضا در تاریخ 10 دسامبر 1982 وسیله نمایندگان 119 کشور به امضا رسید. کنوانسیون جدید حقوق دریاها 12 ماه پس از الحاق 60 کشور رسماً قدرت اجرایی خواهد یافت. هنگام تصویب کنوانسیون جدید حقوق دریاها در اجلاس پایانی کنفرانس

نظر حق برخورداری آنان نسبت به حقوق و امتیازات پیش‌بینی شده در کنوانسیون که صرفاً جنبه قراردادی دارد، مطرح می‌سازد.

به تصدیق و اذعان حقوقدانان برجسته دنیا، ایران تنها کشور بود که هنگام امضای این کنوانسیون طی اعلامیه‌ای مستدل، صریح و کتبی در ارتباط با مسئله شمول مفاد کنوانسیون به دولت‌های غیرعضو- که از این پس «کشورهای ثالث» نامیده می‌شود - موضع خود را اعلام نمود. آگاهی از ابعاد مختلف حقوقی و آثار سیاسی - نظامی و اقتصادی این موضع‌گیری برای مسئولان، دست‌اندرکاران، حقوقدانان و محافل آکادمیک کشور مفید به نظر می‌رسد.

---

سوم حقوق دریاها در 30 آوریل 1982 در نیویورک، 130 هیئت نمایندگی به آن رأی مثبت دادند، 4 کشور رأی منفی (آرای کشورهای ایالات متحده آمریکا، اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس)، ترکیه و ونزوئلا منفی بود) و 17 رأی ممتنع. برخی از کشورها که در جامائیکا آن را امضا نکردند، در فرصتهای بعدی آن را امضا نمودند. لازم به توضیح است که صرف تصویب یا امضا کنوانسیون، ایجاد تعهد قانونی برای کشوری نمی‌کند و برای این امر بایستی هر دولت طبق قوانین داخلی خود نسبت به تصویب نهایی در سیستم قانونگذاری (قوه مقننه) و ارائه اسناد رسمی الحاق طبق مفاد پیش‌بینی شده در کنوانسیون اقدام نماید.

در این بررسی، ایالات متحده امریکا به عنوان یک نمونه بارز کشور ثالث غیرعضو کنوانسیون جدید حقوق دریاها آورده شده است. با مراجعه به تاریخ معاهدات عمده بین‌المللی ملاحظه می‌کنیم که این کشور در موارد عدیده از تصویب یا پیوستن به عهدنامه‌هایی چون میثاق ملل متحد، قراردادهای بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر<sup>4</sup> و کنوانسیون حقوق معاهدات وین امتناع ورزیده است؛ اما این امر باعث آن نشده که امریکا در مواقعی که منافع و مصالح آن دولت ایجاب می‌کرده است به مفاد مدون این قراردادها به اعتبار قدرت عرفی آنها توسل نجوید.<sup>5</sup> در

---

**4.** لازم به تذکر است که ایالات متحده امریکا با تمسک به معاذیر مختلف منجمله محدودیتهای قانون اساسی خود، به ندرت به کنوانسیونها و اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد با حقوق بشر پیوسته است. از آن جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی 1966 و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی 1966 و کنوانسیون پیشگیری و منع کشتار دسته‌جمعی (ژنوسید Genocide مورخه 1948 می‌باشد که تاکنون کشور مذکور به آنها ملحق نگردیده است.

**5.** در یک مورد خاص ایالات امریکا در طرح دعوای خود در دیوان دادگستری بین‌المللی علیه ایران در قضیه گروگانهای سفارت امریکا در تهران اشاره به قدرت عرفی کنوانسیون 1961 وین درباره روابط دیپلماتیک نموده و در این استدلال نیز مفاد کنوانسیون حقوق معاهدات که عضو آن نیست، استناد جسته است. رک. به:

تحلیل حاضر خواهیم دید که آیا امریکا و سایر کشورهای ثالث که از امضای کنوانسیون تاکنون امتناع ورزیده اند، خواهند توانست به اتکا و با تمسک به قدرت عرفی کنوانسیون جدید حقوق دریاها مدعی برخورداری از حقوق و امتیازاتی از قبیل عبور ترانزیتی از تنگه های بین‌المللی یا بهره برداری از منابع غنی بستر دریاها در خارج از محدوده حاکمیت ملی کشورهای ساحلی و سایر مواردی که صرفاً جنبه قراردادی دارد، بشوند یا خیر؟

به طوری که خواهیم دید عبور زیردریایی از تنگه های بین‌المللی در حالت غوص و یا پرواز از فراز آبهای تنگه ها امتیازاتی است که صرفاً در چارچوب مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها به کشورهای عضو کنوانسیون داده شده و بعضاً مغایر عرف متداول بین المللی است؛ از جانب دیگر دستیابی به چنین امکانات و امتیازاتی برای گسترش

---

Memorial of the Government of the United States of America in the Case Concerning United States Doiplmatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran) 42 n.2 (1980).

ناوگان عظیم امریکا در چارچوب موازنه وحشت اتمی، حیاتی است. این بررسی کوششی است برای روشن نمودن جوانب و جنبه های مختلف این مسئله و آثار مترتب بر آن برای کشورهای ثالث غیرعضو در کنوانسیون جدید حقوق دریاها.<sup>6</sup>

## 1

### طرح مسئله

کنفرانس سوم حقوق دریاها که بنابه مأموریت جامع الاطراف واگذاری از طرف مجمع عمومی ملل متحد مسئولیت بررسی و تدوین نظام نوین حقوقی ناظر بر دریاها را عهده دار گردید، در پاره ای موارد

---

6. لازم به تذکر است علاوه بر ایالات متحده امریکا کشورهای دیگری از اروپای غربی مانند انگلستان آلمان غربی، ایتالیا، اسپانیا و بلژیک نیز همواره ژاپن که شرکتهای آنها منافع بسیاری بهره برداری از منابع اعماق اقیانوسها در ماورای حاکمیت ملی کشورهای ساحلی یعنی جایی که میراث مشترک بشریت نامیده می شود دارند، از امضای کنوانسیون خودداری کرده اند. ترکیه و ونزوئلا به دلیل اختلافات دو یا چند جانبه برای تحدید حدود مناطق دریایی، آرژانتین بر سر مالکیت مورد اختلاف جزایر فالکنند، لیبی بر سر اختلاف فلات قاره با تونس و آلبانی، از جمله کشورهایی هستند که تاکنون کنوانسیون را امضا نکرده اند.

بنابه نیاز و ضرورت‌های حاکم بر روابط بین‌المللی، بدعتهایی در این قلمرو از خود به جای گذاری که بعضاً خارج از عرف متداول و روند تحول تدریجی حقوق بین‌الملل بود. به عبارت دیگر، معدودی از مقررات بسیار مهم تبیین شده در کنوانسیون جدید حقوق دریاها ناشی از بده بستانهای سیاسی بود که در نهایت، وسیله حقوقدانها در قالب مواد متعدد قانونی تنظیم و تدوین گردید. از آن جمله می‌توان اشاره به مسئله عبور ترانزیتی یگانهای جنگی و تجارتي از تنگه‌های بین‌المللی، شامل عبور زیردریاییها در حال غوص و پرواز هواپیمایها از فراز آبهای تنگه‌ها بود. این قاعده مدون، خود ناشی از سلسله مذاکرات بسیار طولانی برای فراهم آوردن زمینه پذیرش و تثبیت 12 مایل دریایی عرض دریای سرزمینی<sup>7</sup> بود که ماهیتاً نظام

---

7. «دریای سرزمینی» (territorial sea) منطقه‌ای از دریا چسبیده به سواحل به عرض 12 مایل از خطوط مبدأ است که در آن کشور ساحلی نوعی حاکمیت قلمرویی اعمال می‌کند. در این آبها که در مالکیت و حاکمیت کشور ساحلی است، دولت ساحلی با قبول اصل عبور بی‌ضرر کشتیهای بیگانه که تحت ضوابط خاصی انجام می‌گردد، از قسمتی از حاکمیت مطلق خود به نفع جامعه بین‌المللی چشم‌پوشی می‌کند. برای

حقوقی آبهای واقع در تنگه های بین‌المللی را در جهت گسترش حاکمیت دولت ساحلی و محدود نمودن حق استفاده از آنها را برای کشورهای ثالث، دستخوش تغییر قرار می داد.

همانگونه که در جای دیگر مشروحاً توضیح داده شده است،<sup>8</sup> کشورهای بزرگ دریایی به ویژه ایالات متحده امریکا و کشورهای اروپایی با تعریض عرض دریای سرزمینی به 12 مایل و تسری آن به تنگه‌های بین‌المللی شدیداً مخالف بودند و اعتقاد داشتند که در چنین صورتی، تحرک و گسترش ناوگانهای جنگی و تجاری آنها از این آبراهها مواجه با محدودیتهای مقررات عبور بی‌ضرر خواهد شد. بدین ترتیب، قاعده عبور ترانزیتی<sup>9</sup> از

---

بررسی بیشتر رک. به قسمت دوم «کنوانسیون جدید حقوق دریاها» در ارتباط با موضوع دریای سرزمینی و منطقه نظارت: مواد 15-2، و عبور بی‌ضرر: مواد 17-26.

**8.** رک. به: علی اصغر کاظمی، «وضعیت کشتیهای جنگی در کنوانسیون جدید حقوق دریاها»، مجله سیاست خارجی، شماره 1، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1365، ص 163. همچنین علی اصغر کاظمی، مسئله پرواز فراز مناطق مختلف دریایی در کنوانسیون جدید حقوق دریاها، مونوگراف، بهمن 1365، تهران.

**9.** transit passage لازم به یادآوری است که در قاعده عبور ترانزیتی، زیردریاییها ملزم به عبور در سطح آب و نشان دادن پرچم خود نیستند؛ به‌علاوه هواپیماها نیز می‌توانند



تنگه‌های بین‌المللی و آبهای مجمع‌الجزایره‌ای که محدودیتهای مقررات عبور بی‌ضرر را کاهش می‌داد، به کنوانسیون جدید راه پیدا کرد.

نوآوریها و بدعت‌گزاریهایی کنوانسیون جدید حقوق دریاها منحصر به موارد فوق نیست و اشاره خاص به آنچه که در بالا ذکر شد، تنها برای عینیت بخشیدن به ابعاد عملی مسئله در ارتباط با مشروعیت حضور و عبور ناوگانهای جنگی قدرتهای بیگانه (به‌ویژه ایالات متحده امریکا) در خلیج فارس و تنگه هرمز می‌باشد. این مسئله شامل حال کلیه مواردی در کنوانسیون می‌گردد که به‌نحوی از انحصار حقوق و تکالیف جدیدی به‌صورت قراردادی و خارج از قواعد عرفی برای کشورهای امضاکننده ایجاد می‌نماید. از آن جمله می‌توان به فلسفه ایجاد مناطق انحصاری اقتصادی،<sup>10</sup> حق بهره‌برداری از منابع واقع در بستر اقیانوسها در محدوده خارج از حاکمیت ملی کشور ساحلی (منطقه میراث

---

بدون مانع از فراز آبهای تنگه‌ها عبور کنند. در صورتی که هر دو مورد فوق در دریای سرزمینی کشورهای ساحلی تابع عبور بی‌ضرر بوده و ممنوع است.

10. Exclusive Economic Zone.

مشترك بشریت)،<sup>11</sup> حق برخورداری از خدمات دیوان بین‌المللی حقوق دریاها<sup>12</sup> ... و بسیاری دیگر اشاره نمود.

## 2

### بحث اصولی از دیدگاه حقوق معاهدات

در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای کهن وجود دارد که براساس آن یک قرارداد نمی‌تواند بدون رضایت کشورهای ثالث برای آنها ایجاد حقوق یا تکالیفی نماید. این اصل که اصطلاح لاتین آن *pacta terrie nec nocent nec prosunt* می‌باشد، در ماده 34 کنوانسیون حقوق معاهدات 1969 وین نیز عیناً مدون شده است و به‌موجب آن، یک معاهده، تعهدات یا حقوقی برای یک کشور ثالث بدون موافقت آن به‌وجود نمی‌آورد.<sup>13</sup> این

---

11. The Common Heritage of Mankind.

12. International Tribunal for the Law of the Sea.

13. برای مطالعه یک متن فارسی نسبتاً مفید و تازه درخصوص کنوانسیون 1969 وین رک. به: یان براون‌لی، «نظری اجمالی بر حقوق معاهدات»، ترجمه احمد قاپینه، مجله حقوقی، شماره پنجم، بهار 65 (دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران)، ص 179-216، در صفحه 201 (این کنوانسیون از تاریخ 28 ژانویه 1980 قدرت اجرایی پیدا کرده است). همچنین رک. به مقاله زیر که در تدوین این بررسی از برخی نظرات آن استفاده شده است:

اصل، هم وسیله دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه «مناطق آزاد» و در ارتباط با عدم تسری ماده 435 قرارداد ورسای به دولت غیرعضو سوئیس،<sup>14</sup> و هم توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال<sup>15</sup> در مورد عدم شمول قاعده خط منصف (ماده 6 قرارداد فلات قاره 1958 ژنو) به کشور غیرعضو یعنی آلمان فدرال مورد تأیید و تأکید بوده است.

برخی از حقوقدانان بین‌المللی استدلال کرده‌اند که قاعده عمومی یاد شده در بالا مثل اکثر قواعد حقوقی دارای استثنائاتی است که بدون توجه به آنها نمی‌توان داور قاطعانه‌ای روی مسئله نمود. مع‌هذا این استثنائات همواره مورد پذیرش عموم نبوده است و در بعضی از آنها اختلاف نظر وجود دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل که مسئولیت تهیه پیشنویس کنوانسیون حقوق معاهدات وین را عهده‌دار

---

LUKE T. LEE: "The Law of the Sea Convention Third States", 77 American Journal of International Law, (1983), pp. 451-568.

14. The Free Zones of Upper Savoy and the District of Gex Case 1932 Permanent Court of International Justice (PCIJ), ser A/B No.46, at 141.

15. The North Sea Continental Shelf Cases, 1969 ICJ Rep. 3, 25-26.

بود، در این امر اتفاق نظر داشت که «يك معاهده به خودي خود براي كشورهايي كه طرف معاهده نيستند، ايجاد تعهد نمي‌کند».<sup>16</sup>

از جمله کمیسیون مذکور این نظریه را که معاهدات موجد رژیم‌های حقوقی عینی – مثلاً غیرنظامی کردن يك منطقه از طریق بستن عهدنامه و یا تأسیس نظام حقوقی برای يك گذرگاه عمده آبی – در حقوق کنونی معاهدات، موقعیتی ممتاز دارند و استثنای بر اصل هستند، نپذیرفت.<sup>17</sup>

البته تحت شرایطی خاص و در موارد مشخص، يك قرارداد ممکن است حقوق و تکالیفی برای يك کشور ثالث ایجاد کند. در همین زمینه ماده 35 کنوانسیون وین چنین پیش‌بینی نموده است:

«مقررات يك معاهده در صورتي براي يك کشور ثالث ايجاد تعهد مي‌کند که قصد امضاکنندگان معاهده چنین باشد و کشور ثالث نیز آن تعهد را صراحتاً و کتباً بپذیرد».

---

16. رك. به: «نظري اجمالي بر حقوق معاهدات»، مأخذ یاد شده بالا، ص 201.

17. همان مأخذ، ص 201.

مع الوصف در پاره‌ای موارد ممکن است بدون آنکه ذکر صریحی در کنوانسیون به عمل آمده باشد، ادعا شود که کشور یا کشورهای ثالثی از نتایج مفاد آن متأثر می‌شوند. مورد اخیر مربوط می‌شود به معاهداتی که به خاطر منافع جامعه بشریت و اصول انسانی قواعدی را که بعضاً در قلمرو عرف بین‌المللی جا افتاده است، بدون کرده باشد، مانند کنوانسیونهای 1899 و 1907 لاهه در ارتباط با اصول حقوقی جنگ و بی‌طرفی و یا قراردادهای 1949 ژنو که به جهاتی مکمل آنها به‌شمار می‌آید. مورد دیگر آن معاهداتی است که متضمن مجازاتهای قانونی علیه کشور متجاوز است که حقوق بین‌الملل را نقض کرده باشد.<sup>18</sup> کنوانسیون حقوق معاهدات وین اختلاف‌نظر موجود بین حقوقدانان در

---

**18.** کنوانسیون حقوق معاهدات وین در مورد تعهدات یک کشور مهاجم ناشی از یک معاهده و در نتیجه اقدامات متخذه براساس منشور ملل متحد، قائل به استثنا شده است؛ از جمله در بند 6 ماده 2 منشور پیش‌بینی شده است: «سازمان طوری اقدام خواهد کرد که کشورهای غیرعضو ملل متحد، اقدامات خود را در حدودی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازم است، با این اصول منطبق نمایند». به عقیده بسیاری از حقوقدانان مفاد بند مذکور عملاً کشورهای غیرعضو را در شمول مجازاتهایی قرار می‌دهد که به لحاظ ضمانت اجرای منشور پیش‌بینی شده است.

ارتباط با «قید تعهد به نفع طرف ثالث»<sup>19</sup> را به نحوی صریح در ماده 36 به شرح زیر فیصله داده است:

«1. از مفاد يك معاهده تنها در صورتی حقی برای يك کشور ثالث به وجود می آید که طرفهای آن معاهده مقاصدشان از مفاد آن تفویض آن حق به کشور ثالث یا گروهی از کشورها که کشور ثالث وابسته بدان است و یا همه کشورها، باشد و کشور ثالث با این امر موافقت کند. مادامی که کشور ثالث مخالفتی نکرده است، موافق فرض می شود مگر آنکه معاهده به نحو دیگری پیشبینی کرده باشد.

2. کشوری که به موجب مقررات بند 1 فوق الذکر از حقی استفاده می کند، بایستی شرایط مقرر در معاهده را در باب نحوه استفاده از حق مذکور و یا شرایطی را که براساس معاهده شکل گرفته است، رعایت نماید».

در عبارات فوق اساس رضایت و اراده کشورهای غیرمعاهده نکته کلیدی است و

---

19. Stipulation pour autrui.

مآلاً نمی‌توان وجود چنین نیّتی را در صورت عدم تصریح، مفروض دانست.<sup>20</sup> البته برخی از حقوقدانان معتقدند که در مواردی مانند قراردادهای مربوط به حق عبور از آبراههای بین‌المللی که جنبه عام و اطلاق بر «تمام کشورها»<sup>21</sup> یا «تمام ملتها»<sup>22</sup> را دارد، قرارداد بین‌المللی حتی در آینده نیز ممکن است حقوقی برای کشورهایی که تازه به وجود می‌آیند، ایجاد نماید.<sup>23</sup> آبراههای بین‌المللی مورد نظر در اینجا کانال سوئز، کانال پاناما و کانال کیل هستند که در قراردادهای ناظر به بهره‌برداری از آنها عبارت «تمام ملتها» یا «تمام کشتی‌های جنگی و تجاری بدون توجه به پرچم آنها» به کار گرفته

**20.** لازم به تذکر است که کشور ثالث همواره می‌تواند اگر منافعی ایجاب کند با عدم استفاده از حق خاصی که از طرف کشورهای متعاقد دیگر برای آن منظور گردیده است، اساس وجود و نافذ بودن مفاد قرارداد را انکار نماید. به موجب بند 2 ماده 37 کنوانسیون حقوق معاهدات وین، حق تفویض شده به کشور ثالث را نمی‌توان فسخ یا تعدیل نمود اگر مسلم باشد که اقدام به چنین امری موکول به موافقت کشور ثالث است. مقایسه کنید با «نظری اجمالی بر حقوق معاهدات»، همان مأخذ ص 203 و 204.

**21.** All States.

**22.** All Nations.

**23.** رك. به :

JIMENEZ DE ARECHAGA: "Treaty Stipulation in favor of Third States", 50 American Journal of International Law (1956), pp. 338, 356.

**73 ❖ مسئله شمول مفاد کنوانسیون...**

شده است.<sup>24</sup> در کنوانسیون جدید حقوق دریاها صراحت کمتری در اشاره به طرفهای متعاقد وجود دارد و غالباً اصطلاحات کشورهای ساحلی، کشورهای مجمع‌الجزایره‌ای، کشورهای بدون ساحل و یا عبارت ساده «کشور» بسته به مقوله و موضوعات مورد نظر، به‌کار گرفته شده است.

### 3

#### ماهیت قراردادی کنوانسیون و حقوق و تکالیف ناشی از آن

#### الف - مواضع ایران در بیانیه و اعلامیه نهایی

به‌طوری که قبلاً اشاره شد، هیئت نمایندگی ایران به‌موجب ماده 310 کنوانسیون حقوق دریاها هنگام امضای آن، هم در بیانیه شفاهی در اجلاس دسامبر 1982 در مونتگوبی و هم در اعلامیه کتبی،

---

24. مثلاً رك. به: ماده 1 قرارداد قسطنطنیه 1888 در مورد کانال سوئز، ماده 3 قرارداد Hay-Pauncefote 1901 بین انگلیس و ایالات متحده امریکا در مورد کانال پاناما و ماده 380 معاهده 1919 ورسای در مورد کانال کیل.



موضع بسیار ظریف و دقیقی در ارتباط با ماهیت قراردادی کنوانسیون جدید و حقوق و تکالیف ناشی از آن اتخاذ و ارائه نمود. هدف اصلی از تسلیم این اعلامیه که مواد متعدد دیگری را نیز دربرمی‌گرفت آن بود که در آینده از تفسیرهای احتمالی موادی که مغایر با روح و مقصود اصلی و مواضع قبلی و یا ناهماهنگ با قوانین و مقررات ملی و داخلی ایران است، احتراز به عمل آید.

از آنجا که در عمل و در اجلاس آوریل 1982 نیویورک مشهود گردیده که برخی از کشورها منجمله ایالات متحده امریکا از تصویب و امضای کنوانسیون جدید حقوق دریاهای امتناع خواهند ورزید، لازم بود با توسل به یک استدلال قاطع حقوقی، راه کشورهای ثالث غیرعضو برای بهره‌گیری از حقوق مدون پایه‌ریزی شده در کنوانسیون به نحوی مسدود گردد.

بدین ترتیب اولین موضع اعلام شده به وسیله هیئت نمایندگی ایران در ارتباط با موضوع مورد بحث در این مقاله به شرح زیر بود:

«علي‌رغم خصیصه مورد نظر کنوانسیون که شمول عام و طبیعت تقنینی آن می‌باشد، برخی از مقررات آن که صرفاً نتیجه بده‌بستانهای<sup>25</sup> سیاسی بوده ضرورتاً جنبه تدوین عرف موجود یا رویه جاری به صورتی‌که ماهیت تعهدآمیز داشته باشد، ندارد و بنابراین با نگرش به ماده 34 کنوانسیون 1969 وین درباره حقوق معاهدات، طبیعی است که تنها کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها می‌توانند از حقوق قراردادی ناشی از آن بهره‌مند شوند».<sup>26</sup>

در ادامه این بند موارد خاص از کنوانسیون که مشمول ملاحظات فوق قرار می‌گیرند صریحاً تذکر داده شد. این موارد عبارت بودند از: حق عبور ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی (ماده 38)، حق برخورداری از منطقه انحصاری اقتصادی (فصل پنجم)، حق بهره‌برداری از منابع

---

#### 25. Quid-pro-quo.

26. رك. به: سخنرانی نماینده ایران در یکصد و یکمین جلسه مجمع عمومی کنفرانس سوم حقوق دریاها در تاریخ 9 دسامبر 1982، مدرک:

UN Doc. A/CONF. 62/PV. 191 at 32 (1983); see also: Office of the Special Representative of the Secretary General for the Law of the Sea, Law of the Sea Bulletin No. 1, December 1983, p. 17.

واقع در بستر اقیانوسها و میراث مشترک بشریت (فصل یازدهم). عبارت نهایی طوری تنظیم شده که ممنوعیتهای مذکور منحصر به موارد ذکر شده نگردیده و بعضاً هر حقوق و امتیاز دیگری را که وسیله کنوانسیون ایجاد شده نیز دربرگیرد.<sup>27</sup>

#### ب - موضع کشورهای جهان سوم (اعضای گروه 77)<sup>28</sup>

موضعگیری ایران که مورد حمایت بسیاری دیگر از هیئتهای نمایندگی قرار گرفت، باعث شد برخی دیگر از کشورها نیز بدان تاسی نکرده و کتباً یا شفاهاً در ارتباط با حق برخورداری کشورهای ثالث غیرعضو از حقوق و مزایای پیشبینی شده در کنوانسیون اعلام موضع نمایند. به

---

<sup>27</sup>. همان مأخذ.

<sup>28</sup>. "Group of 77" یکی از گروههای بسیار مهم در سازمان ملل متحد متشکل از حدود یکصد و بیست کشور مستقل است که عمدتاً کشورهای در حال توسعه جهان سوم را شامل می‌گردد. این گروه در آغاز تولد، تنها 77 عضو داشت و به همین جهت با وجود افزایش اعضا هنوز به همان اسم نامیده می‌شود. گروه 77 دارای قدرت سیاسی بسیار تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیریهای مجمع عمومی ملل متحد و ارگانهای وابسته به آن می‌باشد. در کنفرانس سوم حقوق دریاهای نیز این گروه از اهرمهای قدرت عددی و آرای خود به‌نحو بایسته استفاده نمود.

استناد آنچه که در بالا ذکر شد و با مراجعه به نظرات دیگر هیئتهای نمایندگی به نظر می‌رسد که قصد مورد نظر ماده 36 کنوانسیون حقوق معاهدات وین در ارتباط با «قید تعهد به نفع طرف ثالث» را قاعده‌تاً بایستی در بیانات و اعلامیه‌های نهایی کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس پایانی کنفرانس سوم حقوق دریاها در مونتگوبی - جامائیکا مورد جستجو قرار داد. بیانیه‌های معدودی که در دسامبر 1982 به‌طور تلویحی یا تصریحی ارائه گردید (تنها بیانیه ایران تصریح به موضوع داشت) همگی حاکی از این بود که کشورهای امضاکننده کنوانسیون قصد ایجاد حق برای کشورهای ثالث غیرعضو را نداشته‌اند.

علاوه بر موارد فوق، یک موضعگیری خاص که از جانب رئیس گروه 77<sup>29</sup> (متشکل از حدود 120 کشور جهان سوم) به‌عمل آمد، با اشاره به ماهیت کنوانسیون به‌عنوان

---

29. دیگر کشورهایی که به‌طریقی در ارتباط با حقوق کشورهای ثالث بیاناتی ایراد نمودند عبارت بودند از: کانادا، کامرون، تانزانیا، جمهوری سوسیالیستی بلوروسی، اندونزی و اتحاد جماهیر شوروی. برای بررسی نظرات آنها رک. به صورتجلسات نشستهای 6 تا 10 دسامبر 1982 در مونتگوبی - جامائیکا.

«مجموعه به هم پیوسته» (package deal) استفاده از اجزای منتخب آن به صورت اختیاری و عدم رعایت بقیه مفاد کنوانسیون را غیرممکن و خارج از قاعده توصیف کرده و تصریح نموده است که: «هیچ کشوری نمیتواند در صورت عدم الحاق به کنوانسیون، مدعی برخورداری از قواعد یا حقوق تازه‌ای که وسیله آن ایجاد گردیده است، بشود».<sup>30</sup>

### ج - موضع رئیس کنفرانس سوم حقوق دریاها

**30.** ریاست گروه 77 در اجلاس پایانی کنفرانس سوم حقوق دریاها در جامائیکا هیئت نمایندگی پرو آقای «آریاس شرایبر» (Arias-Schreiber) بود.

رک. به: UN Doc, A/CONF. 62/ PV, 185 at 66

تئوری package deal عنوان شده وسیله رئیس هیئت نمایندگی پرو یکی از بدعت‌های کنوانسیون سوم حقوق دریاها بود که بدون شك در روند مذاکرات و جمع‌بندی آراء و نظرات به صورت اجماع (consensus) اثرات بسیار تعیین‌کننده‌ای به جای گذارد. کشورهای اروپای شرقی به رهبری و تحت تأثیر موضع هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی نیز از فلسفه به هم پیوستگی و package deal کنوانسیون در مقابل غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا که نظر چندان خوشی با قضیه نداشتند، شدیداً حمایت می‌کردند.

**مسئله شمول مفاد کنوانسیون... ❖ 79**

آقای «تامی که»<sup>31</sup> رئیس هیئت نمایندگی سنگاپور که ریاست عالیہ کنفرانس سوم حقوق دریاها را در اجلاسهای پایانی به عهده داشت نیز طی بیانیه و مصاحبه‌هایی صراحتاً اظهار نمود که منافع امنیتی و نظامی و اقتصادی ایالات متحده امریکا در صورت عدم امضای کنوانسیون ضرورتاً از طریق قدرت عرفی حقوق بین‌الملل تأمین نخواهد شد، و نتیجتاً این کشور در ارتباط با بهره‌گیری از حق عبور ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی که با منافع حیاتی و استراتژیکی امریکا پیوند دارد، مواجه با مخاطراتی خواهد شد و موضع ضعیفی در مقابل کشورهای عضو کنوانسیون خواهد داشت.<sup>32</sup>

رئیس کنفرانس در جای دیگر این ادعا را که به جز قسمت یازدهم کنوانسیون بقیه مواد آن صرفاً قواعد عرفی حقوق بین‌الملل را تدوین می‌کند رد کرد. برای اثبات نظر خود، آقای «که» دو مثال بارز از متن کنوانسیون آورد و آنها عبارت بودند از حق عبور ترانزیتی از تنگه‌های

---

31. Tommy Koh.

32. LUKE T. LEE, "The Law of the Sea Convention and Third States", op.cit., note to p. 542.

بین‌المللی و خطوط عبور مجمع‌الجزیره‌ای. حتی در موارد دیگر مثلاً ماده 76 کنوانسیون درباره فلات قاره نیز نوآوری‌های نظیر «شیب قاره‌ای»<sup>33</sup> و «فراز قاره‌ای»<sup>34</sup> در کنوانسیون به چشم می‌خورد که نتیجه داد و ستد امتیاز برای تقسیم عواید حاصله از منابع واقع در ماورای 200 مایل دریایی می‌باشد (ماده 82).<sup>35</sup>

استدلال فوق را حتی می‌توان به مواد بسیار شاخص دیگر کنوانسیون تعمیم داد. از جمله در ماده 3 آن که صحبت از حقوق هر کشوری<sup>36</sup> برای تعیین عرض دریایی سرزمینی خود تا حد 12 مایل دریایی از خطوط مبدأ می‌نماید، می‌توان ادعا نمود که مقصود، هر کشور عضو کنوانسیون می‌باشد. به عبارت دیگر کشوری که از پیوستن به این قرارداد بین‌المللی امتناع ورزیده در واقع از برخورداری امتیاز داده شده در ماده مذکور صرف‌نظر کرده است. بنابراین حتی می‌توان استدلال

---

33. Continental slope.

34. Continental rise.

35. رك. به بیانات رئیس کنفرانس حقوق دریاها در مدارک زیر:

Meeting of December 10, 1982, UN Doc. A/CONF. 62/PV. 193, at 23-25 (1983).

36. Every state.

کرد که با وجود مقبولیت کم و بیش جهانی قاعده 12 مایل دریای سرزمینی، هنوز زمینه حقوقی لازم یا *opinio juris*<sup>37</sup> برای تلقی این اصل به عنوان یک قاعده مسلم عرف بین‌المللی فراهم نیست.<sup>38</sup> سایر نوآوریهای کنوانسیون مانند منطقه انحصاری اقتصادی و غیره نیز در همین راستا قرار می‌گیرد و امتیاز آن صرفاً برای کشورهای عضو کنوانسیون محفوظ خواهد بود.

---

**37.** *opinio juris sive (ecessotatis)* عبارت است از اصلی براساس آن قاعده خاصی در روابط بین‌الملل مقبولیت و اعتبار کافی جهت اجرا به‌عنوان یک الزام حقوقی کسب می‌کند. اصطلاحاً گفته می‌شود که قواعد معتبر عرفی و اصول کلی حقوق بین‌الملل برخوردار از *opinio juris* می‌باشند. موازینی که برخوردار از این خصیصه هستند می‌توانند به آسانی تدوین و تبیین شده و وارد قلمرو قوانین لازم‌الاتباع در حقوق بین‌الملل شوند. برای بررسی بیشتر رک. به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال: International Court of Justice (I.C.J) Rep., 1969, 1 at 44.

همچنین به قضیه: Fisheries jurisdiction case, I.C.J. Rep 1974, at 23

**38.** در حال حاضر حدود 78 کشور جهان در قوانین داخلی خود از قاعده 12 مایل دریای سرزمینی، و حدود 23 کشور (یعنی اکثر قدرتهای بزرگ دریایی) از قاعده قدیمی 3 مایل استفاده می‌کنند. رک. به:

United States Department of State, Office of the Geographer, Summary of Coastal States Claims (mimeo Nov, 15, 1982) updating Limits in the Seas No.36: National Claims to Maritime Jurisdiction (4th, rve. 1981).



## تحليل حقوقي مواضع اعلام شده در ارتباط با كشورهاي ثالث

يك نکته قابل تذكر در رابطه با ماهيت كنوانسيون حقوق درياها و امتيازات و تعهدات ناشي از آن، اين است كه در طول سالهاي مذاكره براي دستيابي به متن واحد، فرض بر اين بود كه كلييه كشورهاي عضو ملل متحد اعم از غني و فقير، كوچك و بزرگ، شمال و جنوب صرفنظر از هرگونه ايدئولوژي و گرايشهاي سياسي، اقتصادي و اجتماعي، به آن خواهند پيوست و مشمول مقررات آن خواهند شد. همين فرض حاكم بر نحوه دستيابي به توافقيهاي مورد و مقطعي مواد گوناگون كنوانسيون بود كه براساس «اجماع»،<sup>39</sup> يعني بدون توسل به ابزار متداول رأيگيري، اداره ميشد. شايد يكي از دلايل طولاني شدن كنفرانس سوم حقوق درياها (حدود ده سال) مربوط به همين ويژگي آن باشد. به عبارت ديگر، شركتكنندگان براي تدوين يك موضوع يا

---

39. Consensus.

ماده آنقدر بحث و مجادله و مصالحه می‌کردند تا به يك نظر مورد توافق عام بدون رأی‌گیری (یعنی اجماع) دست پیدا کنند.

پس می‌توان به‌درستی ادعا کرد که قصد و نیت شرکت‌کنندگان در کنفرانس، ایجاد حق و امتیاز یا تعهد متقابلی برای کشور ثالث غیرعضو نبوده است؛ زیرا اساساً چنین قصدي مغایر نیت اولیه و فلسفه برگزاری کنفرانس می‌تواند تلقی شود. مضافاً اینکه چنانچه مسئله را از دیدگاه حقوق موضوعه نگاه کنیم، مشاهده می‌گردد که اکثریت قریب به اتفاق اعضای شرکت‌کننده در کنفرانس (یعنی کشورهای عضو گروه 77 و کشورهای اروپای شرقی) مخالف برخورداری کشورهای ثالث غیرعضو از حقوق و مزایای پیش‌بینی شده در کنوانسیون جدید حقوق دریاهای هستند.

موضع رسمی ایران در ارتباط با ماهیت کنوانسیون که در بالا به آن اشاره شد با امعان‌نظر به اینکه ممکن است برخی کشورهای ثالث غیرعضو با استناد به «طبیعت تقنینی» و نیت تدوین عرف موجود یا رویه جاری بعضاً مدعی برخورداری از

حقوق و امتیازات مدون شده در آن باشند، طوری بیان و اعلام گردید که این مفر احتمالی تفسیری مسدود گردد؛ لذا در آنجا به جنبه‌های قراردادی موضوع در چارچوب «بده‌بستان» که شاخص روابط آزاد دولتهای حاکم در جامعه بین‌المللی است اشاره گردیده که نکته بسیار سنجیده و دقیقی به حساب آید.<sup>40</sup>

یکی از بهره‌های احتمالی این موضع‌گیری که دور از واقعیت هم به‌نظر نمی‌رسید این بود که با این تاکتیک فشار بیشتری روی ایالات متحده امریکا و سایر کشورهایی که از امضای کنوانسیون خودداری می‌کردند، وارد آمده و آنان را به خاطر حقوق و مزایایی که ممکن بود بدین طریق از دست بدهند، وادار به امضا یا الحاق به آن در فرصتهای مقرر بنمایند؛ زیرا برای ایالات متحده امریکا بسیار حیاتی است که مثلاً از حق عبور ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی استفاده

---

**40.** در حقوق بین‌الملل، دولتهای حاکم و مستقل می‌توانند به هر طریق که مصالح و منافع متقابل آنها ایجاب می‌کند بین خود قراردادهایی امضا کنند. این قراردادها که با رضایت کامل طرفین منعقد می‌گردند مادامی که مغایر معیارهای قطعی یا «قواعد آمره» (Jus Cogens) حقوق بین‌الملل نباشند، نافذ و معتبر خواهند بود.

کند. این امر بستگی مستقیم به حضور و گسترش و عبور زیردریاییهای اتمی امریکا حامل موشکهای بالستیک در آبراههای استراتژیک دنیا دارد. اهمیت این مسئله برای امریکا به حدی است که در خلال مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها رئیس هیئت نمایندگی آن کشور از قول کاخ سفید به کنفرانس هشدار داد چنانچه کوچکترین محدودیتی برای گسترش ناوگان ایالات متحده در دریاهای جهان به وجود آید کشور متبوعش از امضای کنوانسیون خودداری خواهد نمود. البته این ابرقدرت به دلایل دیگر از جمله ناخشنودی از مفاد بخش یازدهم کنوانسیون در ارتباط با منابع واقع در بستر اقیانوسها در منطقه «میراث مشترک بشریت» از تصویب و امضای کنوانسیون خودداری نمود، شاید به این امید که بتواند از حقوق عرفی دیگر مفاد قرارداد استفاده نماید.<sup>41</sup> به تبعیت از

---

**41.** یکی از مقامات وزارت امور خارجی امریکا در یک بیانیه رسمی اعلام نمود که به اعتقاد دستگاه حکومتی ایالات متحده امریکا، تصمیم پرزیدنت ریگان مبنی بر عدم امضای کنوانسیون حقوق دریاها تأثیری در گسترش ناوهای امریکایی در آبهای آزاد و عبور آنها از تنگه‌های بین‌المللی نخواهد داشت؛ زیرا [بزعم آنها] حقوق بین‌الملل موجود این حقوق را برای آنها تضمین می‌کند.

ایالات متحده امریکا دیگر کشورهای صنعتی اروپای غربی مانند انگلستان، آلمان غربی، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، و در خاور دور، ژاپن که دارای تکنولوژی پیشرفته برای اکتشاف و استخراج منابع واقع در بستر اقیانوسها هستند تاکنون کنوانسیون را امضا نکرده اند.

به ترغیب برخی از حقوقدانان و سیاستمداران غربی، کشورهای یاد شده درصد برآمدن در خارج از چارچوب مقررات بدون کنوانسیون اقدام به انعقاد

---

رک. به روزنامه‌های واشینگتن پست مورخه 10 ژوئیه 1982 (ص 1 ای 5) و نیویورک تایمز مورخه 10 ژوئیه 1982 (ص 5) و کریسچین ساینس مانیتور مورخه 13 ژوئیه 1982 (ص 24)، همچنین رک. به:

RATNER: "The Law of the Sea: A Crossroad for American Foreign Policy", 60 Foreign Affairs, pp. 1006-1018 (1982); see also: Law of the Sea Negotiations: Hearing before the Subcommittee on Arms Control, Oceans, International Operations and Environment of the US Senate Comm. On Foreign Relations, 97<sup>th</sup> Cong., 2d Sess, 8 (1982).

در مقابل بیانات فوق، یکی از دست‌اندرکاران حکومت آمریکا که از سال 1977 تا 1980 ریاست هیئت نمایندگی ایالات متحده امریکا در کنفرانس سوم حقوق دریاها را عهده‌دار بود یعنی آقای «الیوت ل. ریچاردسون» Elliot Richardson معتقد است که کشور متبوعش قادر نخواهد بود بدون پیوست به کنوانسیون جدید، از امتیازات آن برخوردار شود. تأکید وی بیشتر روی آزادی دریانوردی کشتیهای جنگی از آبراههای بین‌المللی بود.

رک. به:

Christian Science Monitor, July 22, 1982; see also ELLIOT L. RICHARDSON: "Power, Mobility and the Law of the Sea", 55 Foreign Affairs, pp. 902-905 (1980).

يك قرارداد كوچك براي استخراج معادن و منابع واقع در منطقه ميراث مشترك بشريت بنمايند. يعني به عبارت ديگر، آنها ميخواستند يك جبهه مؤتلفه از كشورهاي ثالث غيرعضو تشكيل بدهند كه عملاً داراي امكانات فني و تكنولوجي و مالي جهت سرمايه‌گذاري در بستر اقيانوسها بودند. بدين ترتيب بزعم مشوقان اين فكر، آنها قادر ميشدند عوارض ناشي از محدوديتهاي حقوقي و سياسي مترتب بر كشور ثالث را از جهات مختلف خنثي نمايند.<sup>42</sup>

ترديدي نيست كه اين طرز تلقي از كنوانسيون انديشه خامي بود؛ زيرا حتي قبل از اجلاس پاياني كنفرانس سوم حقوق درياها كه زمزمه "mini-treaty" يا همان «قرارداد كوچك» در راهروهاي سازمان ملل تحد پراكنده شد، بلافاصله هيئتهاي نمايندگي عضو گروه 77 عكس‌العمل شديدي نشان دادند و فكر توسل به چنين عملي را محكوم نمودند. در اجلاس پاياني مونته‌گوبو در جامائيكايك نيز كشورهاي امضاكننده كنوانسيون با آمادگي كامل با موضوع

---

**42.** براي بررسي بيشتر در زمينه فوق رك. به: ANTHONY D'AMATO, "An Alternative to the law of the Sea Convention", (Editorial Comments), 77 American Journal of International Law (1983), pp. 281-285.

برخورد کردند و در سخنرانیها و اعلامیه‌های خود اقدام به هرگونه توافقی در خارج از چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها را خیانت به جامعه بین‌المللی و روح فلسفه «میراث مشترک بشریت» قلمداد نمودند.

هیئت نمایندگی ایران نیز در اجلاس فوق‌الذکر قبل از امضای کنوانسیون، مواضع خودخواهانه و اشتهای سیری‌ناپذیر شرکتهای بزرگ چندملیتی برای بلعیدن «میراث مشترک بشریت» را تقبیح نمود. در اشاره به قرارداد کوچک نیز به کنفرانس هشدار داد که جامعه بین‌المللی برای دفاع از حقوق مشروع خود در مسئله «میراث مشترک بشریت» پایداری خواهد نمود و ثروت‌های بیکران این منطقه را از تعدی و غارت هر متجاوز - خواه به‌طور انفرادی یا از طریق انعقاد پیمان خصوصی - حفاظت خواهد کرد. هیئت نمایندگی ایران افزود که کنوانسیون حقوق دریاها می‌تواند مهمترین چارچوب تنظیم کلیه مفاهیم حقوقی، اقتصادی و سیاسی در جهت بهره‌برداری از دریاها و ایجاد برخورد منطقی در مسئله شمال و جنوب و رابطه

عادلانه بين كشورهاي غني و فقير باشد، به شرطي كه تمام دولتها به تعهدات اخلاقي خود درباره نظام نوين اقتصادي جهان پايبند باشند. در اشاره به موازين مترقي كه در متن كنوانسيون جديد تدوين گرديده است، هيئت نمايندگي ايران گفت: «دستيابي به اين اصول در صورتي ميسر ميگردد كه قانون و عدالت جايگزين زور و قدرت گردد و كشورهاي درحال توسعه بتوانند به دانش و تكنولوژي پيشرفته كشورهاي صنعتي دستيافته و در اين مسابقه نابرابر در عرصه مناسبات زورمدارانه بينالمللي عرض وجود نمايند».<sup>43</sup>

صراحت موجود در موضعگيري فوق در ارتباط با كشورهاي صنعتي همراه با اعتراضات كم و بيش مشابه از اطراف اكثريت كشورهاي شركتكننده در اجلاس پاياني كنفرانس، جاي هيچگونه ترديدي باقي نميگذارد كه قطعاً نيت اعضاي امضاكننده كنوانسيون، دادن كمترين امتيازي به كشورهاي ثالث غيرعضو نبوده

---

43. رك. به متن سخنراني هيئت نمايندگي ايران در: Meeting of December 9, 1982, UN Doc. A/CONF. 62/PV. 191 at 32 (1983).



است. در نتیجه، هرگونه تعبیر و تفسیر از کنوانسیون به نفع گروه اخیر مخالف آرا و نظرات کشورهای متعاقد و امضاکننده می‌باشد. لذا کشورهای غیرعضو نخواهند توانست قسمتهایی از کنوانسیون را که به نفع آنها است بپذیرند،<sup>44</sup> ولی قسمتهایی را که مآلاً با منافع فردی و خصوصی آنها مغایر است و لکن موافق مصالح جامعه بین‌المللی در کل می‌باشد، نفی کنند.<sup>45</sup> اساس تئوری package deal نیز در همین راستا پایه‌ریزی شده است.<sup>46</sup>

### نتیجه کلی

با وجود آنکه از دیدگاه حقوقی محض تنها متعاهدین یک قرارداد از حقوق و تکالیف آن برخوردارند لیکن در پاره‌ای از موارد به علت طبیعت و ویژگی برخی معاهدات بین‌المللی که همزمان جنبه تقنینی و قراردادی دارند، کشورهای ثالث

---

**44.** مانند حق استفاده از عبور ترانزیتی در تنگه‌های بین‌المللی و رفع محدودیت از زیردریاییها برای دریانوردی در سطح آب و نشان دادن پرچم و همچنین پرواز هواپیما از فراز آبهای تنگه.

**45.** مانند تمام مسائل مربوط به بستر دریاها و میراث مشترک بشریت.

**46.** رك. به پانویس 28.

نیز مشمول مقررات آن می‌گردند. تفکیک این دو جنبه همواره آسان نبوده است. مثلاً در قضیه فلات قاره دریای شمال<sup>47</sup> که تحدید حدود فلات قاره آلمان غربی و هلند و دانمارک مطرح بود، دیوان بین‌المللی دادگستری با استناد به قرارداد فلات قاره 1958 ژنو قائل به تفکیک دو رشته قاعده گردید. بدین ترتیب که مثلاً سه ماده از قرارداد مذکور را که در زمره حقوق بین‌الملل عرفی تبلور یافته و تدوین شده بود، قرارداد تلقی نمود<sup>48</sup> و بقیه مواد را صرفاً محصول توافق متقابل که ربطی به عرف متداول نداشت، تشخیص داد. نتیجه عملی موضعگیری فوق این است که صرفنظر از آنکه یک قاعده پذیرفته شده عرفی به صورت مکتوب تدوین شده باشد یا خیر، کلیه کشورهای عضو جامعه بین‌المللی ملزم به رعایت آن هستند و

---

47. The North Sea Continental Shelf Cases, International Court of Justice (I.C.J.) Rep. 1969, 1 at 39.

48. برای بررسی کلی رک. به :

D.P. O'CONNEL: "The Normative Effect of the Law of the Sea Convention", in the International Law of the Sea, Vo.1. I (Edited by I. A. Shearer), (Oxford, UK: Clarendon Press, 1984) p. 44.

انحراف از مسیر آن به اعتبار منافع خاص یا مصالح و قوانین ملی جایز نیست.<sup>49</sup> بدین ترتیب به خوبی درمی‌یابیم که در عمل، ممکن است بخشی از مفاد یک کنوانسیون صرفاً طبیعت قراردادی لازم‌الاتباع بین متعاهدین آن داشته باشد و در عین حال بخشهایی دیگر از آن که منعکس‌کننده عرف متداول بین‌المللی است، کشورهای ثالث غیرعضو را نیز دربرگیرد. این همان تعبیری است که ما از کنوانسیون جدید حقوق دریاها ارائه نمودیم.

با توجه به آنچه که در صفحات قبل آمد و در رابطه با حقوق و تکالیف کشورهای ثالث، تردیدی نیست که دولتهای غیرعضو همواره مشمول آن دسته از مقررات مندرج در کنوانسیون که بعضاً قواعد عرفی مورد پذیرش جامعه بین‌المللی را مدون کرده است، خواهند بود. به عبارت دیگر، قسمت‌هایی از کنوانسیون جدید که تبلور یافته از اصول پابرجای ناظر و حاکم بر استفاده صلحجویانه از دریاها و حفظ

---

**49.** مقایسه کنید با همان مرجع، ص 45. لازم به توضیح است که معمولاً اقدام به رزرو (reservation) در مواردی که قواعد عرفی را در یک قرارداد تدوین می‌کنند ملغی‌الآثر می‌باشد.

محیط زیست دریایی، آزادی دریانوردی در گستره‌های عظیم آبهایی بین‌المللی، حل مسالمت‌آمیز اختلافات ناشی از تعارض منافع و حاکمیت کشورها در دریا و ... می‌باشد، کماکان برای کلیه کشورهای جهان اعم از آنها که کنوانسیون را امضا کرده‌اند و به آن ملحق خواهند شد یا خیر، محفوظ و معتبر خواهد بود. تنها آن قسمت از موارد کنوانسیون که صرفاً مولود توافق متقابل و محصول بده‌بستان چندجانبه می‌باشد و طبیعت تقنینی ندارد، منحصر به کشورهای عضو بوده و فقط گروه اخیر می‌توانند از حقوق قراردادی ناشی از آن بهره‌مند شوند. عبور ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی نیز مطابق آنچه که در صفحات قبل ذکر شد، از جمله امتیازات مهمی است که در زمره توافقی‌های گروه اخیر قرار می‌گیرد و به خاطر رفع برخی محدودیتهای مرتبط با عبور بی‌ضرر در دریای سرزمینی،<sup>50</sup> علی‌الاصول شامل کشورهای ثالث غیرعضو کنوانسیون جدید حقوق دریاها نمی‌گردد.

---

50. رك. به پانویس 42.

کنوانسیون جدید حقوق دریاها هنوز حدنصاب لازم جهت قدرت اجرایی پیدا کردن را کسب ننموده و بعید به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نزدیک 60 کشور امضاکننده رسماً به آن ملحق شوند.<sup>51</sup> مع الوصف روح و محتوای این قرارداد عظیم بین‌المللی که تنها با منشور ملل متحد قابل مقایسه می‌باشد، و هدف اساسی جهانشمولی که از آغاز بر مراحل تدوین آن حاکم بوده است، معدود کشورهای ثالث غیرعضو را که عالمناً به آرمانهای والای جامعه بشریت پشت کرده و به آن نپیوسته‌اند، از حمایت همه جانبه خود محروم خواهد کرد.

---

51. رك. به ماده 308 کنوانسیون.